

بررسی عوامل موثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی شهرستان بانه

مریم شریفزاده*

استادیار گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج

جليله کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه یاسوج

چکیده

فعالیت در حیطه صنایع دستی از مصادیق حفظ فرهنگ بومی است که نقش مؤثری در توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی دارد. این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی فعال بالقوه اقتصادی شهرستان بانه پرداخته است. نمونه آماری مشتمل بر ۲۰۵ زن روستایی در بخش آرموده این شهرستان و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه‌ای ساختارمند بود که روایی آن توسط متخصصان تأیید گردید. برای سنجش پایایی آن مطالعه‌ای راهنما خارج از منطقه‌ی آماری ترتیب داده‌شد. ضریب آلفای کرونباخ سنج‌های مختلف پرسشنامه بین ۰/۵ تا ۰/۹ نشان از پایایی قابل قبول ابزار سنجش داشت. یافته‌های پژوهش نشان داد، دروندادهای فردی و زمینه‌های محیطی در توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی اثر دارند. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر حاکی از تأثیر مستقیم مثبت و معنی دار عوامل حمایتی، علاقمندی نسبت به کار، عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت طلبی، درک از خود مدیریتی، درک نسبت به خودکارآمدی و اهداف با توسعه‌ی فعالیت شالبافی می‌باشد. در این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی برای توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی ارائه شده‌است.

واژگان کلیدی

توسعه اشتغال؛ زنان روستایی؛ صنایع دستی؛ فعالیت شالبافی؛ بانه.

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۵

مقدمه و بیان مسأله

زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد روستایی و قشر همواره آسیب پذیر جامعه بوده که به طور نامرئی در تله‌ای از محرومیت بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار هستند (چمبرز^۱، ۲۰۱۴: ۲۵۰). محرومیتی که به دلیل جایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها را در فرآیند توسعه پایدار به شدت تنزل بخشیده است (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۸؛ نوری و غفاری، ۱۳۸۵: ۷۴؛ بانسال و کومار^۲، ۲۰۱۱: ۲). بدیهی است، توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان، با بهبود بخشی به استاندارد زندگی، افزایش تعامل اجتماعی، مدیریت زندگی، و افزایش ظرفیت تصمیم‌گیری در خانواده و جامعه از محرومیت زنان خواهد کاست (ساسی باما^۳، ۲۰۱۰: ۳؛ علیانی و دهقان نیستانکی، ۱۳۹۱: ۹۰). یکی از پیش‌نیازهای توانمندسازی زنان روستایی بسترسازی برای بروز و توسعه موقعیت‌های خود اشتغالی و فعالیت‌های درآمدزا بالاخص در حوزه‌ی صنایع خرد روستایی می‌باشد. زنان روستایی از دانش بومی پایه، مهارت بالقوه و منابع ایجاد و مدیریت خود اشتغالی (ساسی باما، ۲۰۱۰: ۳) بالاخص در حوزه صنایع دستی روستایی برخوردار می‌باشند. صنایعی که از مصادیق درآمدزایی و اشتغال‌آفرینی پایدار ملی و محلی به شمار می‌رود (کمسیون برنامه و بودجه، ۱۳۹۰: ۱).

در ایران، زنان روستایی ۷۵ درصد تولیدات صنایع دستی کشور را تولید می‌کنند (روستا و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴). بخش وسیعی از تولید صنایع دستی شالبافی کشور در استان کردستان و در شهرستان بانه انجام می‌پذیرد. زنان روستایی این شهرستان نیمی از جمعیت ۱۳۲۵۶۵ نفری این شهرستان را تشکیل می‌دهند. شالبافی معرف ذوق و خلاقیت اجتماعی در پاسخگویی به قسمتی از نیازهای روزمره مادی و معنوی جامعه محلی (سلیمان نوری، ۱۳۸۹: ۴۱) استان‌های غرب کشور و تجلی مولفه‌های هنری،

¹ Chambers

² Bansal & Kumar

³ Sathiabama



اجتماعی و فرهنگی بومی استان می‌باشد. این صنعت فراخور نیاز پوشاکی مردم منطقه در بستر زمان توانمندی، هویت و شخصیت جامعه را با خود حمل نموده‌است. لکن، تولیدکنندگان که اغلب زنان روستایی استان می‌باشند، در فرایند تولید محصول با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده‌اند که این امر گرایش به این فعالیت اقتصادی و فرهنگی را در گذر زمان با افول مواجه ساخته‌است. به طوری که، صنایع دستی کمتر از ۵ درصد درآمد مردم شهرستان بانه را به خود اختصاص داده‌است (فتاحی، ۱۳۹۱: ۳). لذا، شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت شالبافی زنان روستایی شهرستان بانه به عنوان قطب تولید شال استان می‌تواند گره‌گشای تنگناها و کلید توسعه این صنعت ارزنده باشد. بنابراین، این پژوهش بر آن است تا با شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی شهرستان بانه پردازد. بدین منظور، فعالیت شالبافی زنان روستایی شهرستان بانه مدنظر قرار گرفت و در این راستا اهداف اختصاصی زیر دنبال گردید:

۱. بررسی میزان توسعه یافتگی فعالیت شالبافی در زنان روستایی شهرستان بانه؛
۲. شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی در بین زنان روستایی شهرستان بانه؛
۳. ارائه راهکارهای کاربردی در راستای توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی.

پیشینه پژوهش

گستره وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی راهکارهای توسعه فعالیت‌های اشتغال‌زایی زنان و به ویژه فعالیت صنایع دستی پرداخته‌اند. بخشی از این مطالعات به تبیین سازه‌های مؤثر بر اشتغال زنان روستایی به صورت عام اختصاص دارد (یعقوبی، ۱۳۸۴؛ آراستی، ۱۳۸۵؛ علیدوست و همکاران، ۱۳۹۱؛ کامینگ‌هام^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ عالم^۲ و

^۱ Cummingham

^۲ Alam

همکاران، ۲۰۱۱؛ شورمان^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). تعدادی از پژوهش‌ها نیز بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و سازه‌های تأثیرگذار بر آن تمرکز جسته‌اند (حاجیلو و خانی، ۱۳۸۷؛ علیایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹؛ میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). بخش دیگر از ادبیات پیشین به سازه‌های تبیین‌کننده فعالیت در حیطه صنایع دستی زنان روستایی اختصاص دارد (پاپزن و همکاران، ۱۳۹۰؛ کرباسی و یعقوبی، ۱۳۹۰؛ فتاحی، ۱۳۹۱؛ سواری و همکاران، ۱۳۹۲؛ الی و کویسی^۲، ۱۹۹۶؛ کریتزینگر و وستر^۳، ۱۹۹۶؛ لئونارد^۴، ۲۰۰۱؛ کامن‌گولو و بامگاس^۵، ۲۰۰۲؛ تیاگو^۶ و همکاران، ۲۰۰۸؛ بوتینی^۷، ۲۰۱۲).

یعقوبی (۱۳۸۴: ۱۴۳) در تحقیقی به تبیین اهمیت نقش اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی در استان زنجان پرداخت و نشان داد که عوامل محیطی (اعتبارات خرد) با تأثیر بر ارتقاء اعتماد گروهی، ایجاد احساس قوی انجام کار، عوامل فردی (افزایش مهارت مدیریت زندگی و اعتماد به نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوه خود) و انتظارات نسبت به تحقق اهداف (بهبود منزلت زنان در خانواده)، بر اشتغال زنان اثر داشته‌است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش بین اشتغال زنان و میزان تحصیلات همسران و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود، در سطح ۰/۰۱ درصد رابطه معناداری وجود داشته‌است.

نتایج پژوهش آراستی (۱۳۸۵: ۱۱۴) نشان داد که از بین عوامل حمایتی (نگرش موافق اطرافیان به زن، ارزش‌ها و باورهای جامعه، وجود الگوی نقش در اطرافیان)، درک نسبت به خودمدیریتی (برقراری تعادل بین خانواده و کار) و عوامل فنی (آموزش و محرک‌های محیطی) تنها نگرش موافق اطرافیان در اشتغال زنان کارآفرین تأثیرگذار است. به هر حال، مطالعات در حوزه همراهی جامعه و اطرافیان نتایج متناقضی را نشان

¹ Scheuermann

² Aly & Quisi

³ Kritzinger & Vorster

⁴ Leonard

⁵ Komngolo & Bamgose

⁶ Tiago

⁷ Buteniene



می‌دهد. برخی از پژوهش‌ها دلالت بر سودمند بودن کار برای زنان و حفظ جایگاه اجتماعی و حس مفید بودن دارد. در حالی که برخی دیگر ناظر بر تعدد نقش‌ها و به خطر افتادن سلامت افراد می‌باشد (حسابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

علیدوست و همکاران (۱۳۹۱: ۴) به اولویت‌بندی موانع توسعه‌کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان گرمسار پرداخته و دریافته‌اند که موانع نهادی زیرساختی (مانند عوامل اقتصادی) و عوامل فنی (آموزشی) به ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی این قشر از جامعه می‌باشد. کامینگ‌هام و همکاران (۲۰۰۷: ۷) در پژوهشی با استفاده از نظریه اجتماعی شناختی شغلی دریافته‌اند که زنان در مقایسه با مردان از اعتماد به نفس کمتر و در عین حال علاقه بیشتری برای اشتغال برخوردار بوده‌اند. همچنین زنانی که اعتماد بنفس بالاتری دارند تمایل بیشتری به توسعه کاری خود دارند. پژوهشگران همچنین به این نتیجه دست یافتند که خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت‌طلبی با توسعه‌ی شغلی رابطه مثبت و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش حاجی‌نوروز و همکاران (۱۳۹۳: ۱۱۷) نیز به تأثیر شاخص علاقمندی به پیشرفت و اعتماد به نفس در پیشرفت شغلی زنان صحنه گذاشته‌است. در پژوهش مشابه دیگر، عالم و همکاران (۲۰۱۱: ۱۷۳)، به بررسی عوامل موثر بر اشتغال و کارآفرینی زنان در جنوب مالزی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عوامل حمایتی (حمایت خانواده، و روابط اجتماعی) تأثیر مثبتی در موفقیت زنان در کسب و کارهای کوچک دارد. حاجیلو و خانی (۱۳۸۷: ۱۵۲) در مطالعه‌ای موردی در استان آذربایجان شرقی تأثیر نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی را مورد ارزیابی قرار داده و نشان دادند که، بین نظر مردان در خصوص نقش زنان در زندگی و موافقت آنان با شرکت زنان در جلسات زنانه با ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی رابطه مستقیم وجود دارد.

علیایی و همکاران (۱۳۸۸: ۷۹) در شهرستان دیواندره عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار را بررسی نمودند. در این پژوهش، بین متغیرهای درک از خود مدیریتی (تعداد فرزندان)، ارزش نیروی کار زنان، میزان

مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و میزان باور به سنت‌های اجتماعی با متغیر سهم زنان در درآمد خانوار رابطه معناداری وجود داشت. سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹: ۱۶۴) با بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر بهبود آن در شهرستان همدان دریافتند که ۳۶/۳ درصد از زنان در پایگاه ضعیف، ۵۵/۹ درصد در پایگاه متوسط و ۷/۸ درصد در سطح بالایی از پایگاه اقتصادی-اجتماعی قرار دارند. این پژوهش نشان داد که متغیرهای تحصیلات، همسر، اعتماد بنفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، خود اثربخشی، نگرش جنسیتی، مشارکت اقتصادی و تحرک اجتماعی، در سطوح مختلف بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی اثر مثبت و معناداری داشته‌اند.

میرک‌زاده، چالش‌های حوزه توانمندسازی زنان روستایی را نبود عوامل فنی (عوامل آموزشی) در مناطق روستایی و استقبال اندک و مشارکت ناچیز زنان روستایی می‌داند (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۰). پاپ‌زن و همکاران (۱۳۹۰: ۳۴) با ارزشیابی عوامل فنی در زمینه صنایع دستی بیان داشتند که دانش زنان روستایی متغیر تعدیل‌کننده فعالیت در حوزه صنایع دستی به‌شمار می‌رود. محققین همچنین عنوان می‌کنند به علت محدودیت اعتبارات، نبود صرفه اقتصادی تولید در سطح خرد و غیره، امکان اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی بسیار محدود است. الی و کویسی (۱۹۹۶: ۸) و کریتزینگر و وستر (۱۹۹۶: ۳۴۹) در پژوهش‌های مشابه دریافتند مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر دیدگاه زنان روستایی نسبت به اشتغال در بخش غیر زراعی و صنایع دستی عوامل فنی (دریافت آموزش مناسب) در این زمینه است و درک از خود مدیریتی (شامل افزایش تعداد فرزندان و کهولت سنی) اثر نامطلوبی بر نگرش زنان نسبت به صنایع دستی می‌گذارد.

کرباسی و یعقوبی (۱۳۹۰: ۴۲ و ۴۳) در پژوهشی به بررسی بازارهای تعاونی‌های صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان پرداخته و نتیجه گرفتند مهم‌ترین علل رکود بازار صنایع دستی به ترتیب واردات بی‌رویه صنایع دستی سایر کشورها، وجود



واسطه‌ها و ناتوانی فروش مستقیم آثار صنایع دستی، تبلیغات ناکافی و مسائل فرهنگی - اقتصادی مانند تغییر سلیق بازار می‌باشد.

فتاحی (۱۳۹۱: ۵) با بررسی عوامل موثر بر توسعه صنایع دستی در شهرستان بانه، مهم‌ترین مشکلات توسعه نیافتگی صنایع دستی در منطقه را اشتغال و درآمد بالای تجارت مرزی، عدم حمایت دولت از تولیدگندگان، روی آوردن به شغل‌های کاذب و ادامه تحصیل نوجوانان و جوانان عنوان نمود.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲: ۸۳) با ارزیابی اثرگذاری اشتغال زنان مناطق روستایی بر اقتصاد خانوار در عشایر شهرستان چرادوال دریافتند، عواملی مانند تکنولوژی ابتدایی برای تولید، دوری به شهر، کمبود مشتری، عدم حمایت مسئولین و عدم حمایت مسئولین زمینه‌ساز دستیابی کمتر زنان به درآمد صنایع دستی می‌باشد.

سواری و همکاران (۱۳۹۲: ۲۸۱)، نگرش زنان روستایی را نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی در شهرستان دیواندره مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند زنان نگرش مثبتی به اشتغال در بخش صنایع دستی ندارند. یافته‌ها همچنین نشان داد بین درآمد خانوار و سطح تحصیلات با اشتغال زنان روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

کریمی و شریف‌زاده (۱۳۹۳: ۷)، عوامل مؤثر بر گرایش زنان روستایی شهرستان بانه به فعالیت صنایع دستی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد بین عوامل نهادی - زیرساختی، زمینه‌ای، مدیریتی، اعتماد بنفس، علاقمندی به کار و زیرساخت‌های حمایتی با گرایش به شالبافی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

لئونارد (۲۰۰۱: ۶۷)، اظهار نمود که بین نگرش زنان روستایی نسبت به اشتغال در فعالیت‌های غیر زراعی و صنایع دستی، با میزان تحصیلات آنان رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. کامن گولو و بامگاس (۲۰۰۲: ۷) با مطالعه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های صنایع دستی در سه روستای آفریقایی جنوبی دریافتند اکثر زنان در این مناطق بی‌سواد، فاقد ابتکار و نوآوری شغلی بودند. یافته‌ها همچنین نشان دادند کمبود اطلاعات و نگرش منفی زنان بر گرایش زنان به اشتغال در حوزه صنایع دستی

تاثیر منفی داشته‌است. تیاگو و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهش نشان دادند حمایت‌های دولت و خانواده در گرایش زنان روستایی به فعالیت در حیطه غیر زراعی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بوتنن توسعه و حفظ صنایع دستی را منوط به تدوین چارچوب سیاست‌گذاری برای ارتقاء و حفظ هنر و صنعت، ظرفیت‌سازی نهادی برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های پشتیبان، تقویت توانایی‌های مدیریتی و تولید صنایع دستی در شرکت‌های خردمقیاس و نیز بهبود مهارت‌های فنی می‌داند (بوتنن، ۲۰۱۲: ۴).

شورمان و همکاران (۲۰۱۴: ۴۲۳) در تحقیقی منزلت زنان آمریکایی آفریقای تبار و انتخاب اهداف را با استفاده از نظریه اجتماعی شناختی شغلی بررسی کردند. نتایج محققین نشان داد بین درک نسبت به خودکارآمدی با توسعه شغلی و اهداف رابطه معناداری وجود ندارد. انتظارات نسبت به اهداف و توسعه شغلی رابطه‌ای وجود ندارد. بین علاقه‌مندی نسبت به کار و توسعه شغلی رابطه غیر مستقیمی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بر خلاف SCCT بین خودکارآمدی با انتظارات نسبت به اهداف رابطه معناداری وجود ندارد. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند بین اهداف و توسعه شغلی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین بین درک از خودکارآمدی و انتظارات نسبت به اهداف با علاقه‌مندی نسبت به کار رابطه غیر مستقیمی وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر، برای تبیین عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالباپی از نظریه اجتماعی شناختی شغلی بهره گرفته شده‌است. نظریه اجتماعی شناختی شغلی (SCCT) کاربرد نظریه اجتماعی شناختی بندورا^۱ (۱۹۸۶) و چارچوبی کلی و مفهومی در فرایند شکلگیری علاقه‌مندی شغلی، شناسایی خط مشی شغلی و ثبات در مسیر شغلی است (شاب و توکار^۲، ۲۰۰۵، ۳۰۵). این نظریه عملکرد روانی انسان را در شرایط تعامل بین

^۱ Bandura

^۲ Schaub & Tokar



شناخت رفتاری و دیگر عوامل فردی و محیطی تبیین می‌کند (زکیک و ساکس^۱، ۲۰۰۹، ۳۴۷)، نقش تعاملی سازه‌های فردی، محیطی و رفتاری را بر علایق، انتخاب، و عملکرد شغلی پیوند زده و در شناسایی و پاسخ به توسعه شغلی گروه‌های اقلیت نظیر گروه‌های قومی، زنان روستایی و غیره به کار می‌رود (کرونیستر و مک‌ورتر^۲، ۲۰۰۳: ۶۲۰). این نظریه در پی شناخت چگونگی متأثر شدن توسعه شغلی افراد از محیط و به بیان روشن‌تر نحوه تأثیر پذیرفتن افراد در معرض فعالیت های حرفه‌ای است. در این رهگذر اثر درک از خودکارآمدی نیز حائز اهمیت است (زکیک و ساکس، ۲۰۰۹: ۱۱۸، ایندا و همکاران، ۲۰۱۳، ۳۴۷). از سوی دیگر، انتظارات نسبت به اهداف فردی و حرفه‌ای، علاقه به حرفه و اهداف شغلی بر توسعه فعالیت شغلی اثرگذار می‌باشد. متغیرهای فردی مانند جنس، نژاد، قومیت و سن جزو عوامل زمینه‌ای و خارج از مدل هسته‌ای هستند. البته چنین متغیرهایی می‌توانند بر روی خودکارآمدی، انتظارات، علاقه و اهداف تأثیرگذار باشند. این چهار متغیر می‌توانند بر تسهیل شکل‌گیری و انتخاب حرفه‌ای افراد تأثیرگذار باشند (ایندا و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۴۷). در نسخه اولیه این نظریه، عملکرد به ترتیب تحت تأثیر کنش‌های انتخابی، اهداف انتخابی، و علایق قرار داشته‌است. علایق نیز به واسطه خودکارآمدی و انتظار از اهداف تعیین می‌شده‌است. تجارب یادگیری بر هر دو متغیر یادشده اثرگذار بوده‌است و کل این مجموعه نیز از دروندادهای فردی و زمینه‌ای بوده‌است (شاب و توکار، ۲۰۰۵: ۳۰۵). در مدل‌های اخیرتر نظریه اجتماعی شناختی شغلی بر جوانب فرایندی توسعه شغلی، نظیر قانونمندی عواطف شناختی، تطبیق با تغییرات و هدایت رفتار هدف‌محور تأکید بیشتری مبذول شده‌است. در مدل‌های اخیرتر این نظریه، رفتار به مثابه ساز و کاری قلمداد می‌شود که به فرد مجوز می‌دهد در توسعه مسیر شغلی، تطبیق یا نوسازی آن دخل و تصرف کند (لنت^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). مدل نظریه اجتماعی شناختی شغلی در پژوهش حاضر چارچوبی را برای درک توسعه شغلی بر مبنای عوامل زمینه (دروندادهای فردی) و پس‌زمینه (عوامل

¹ Zikic & Saks

² Chronister & McWhirter

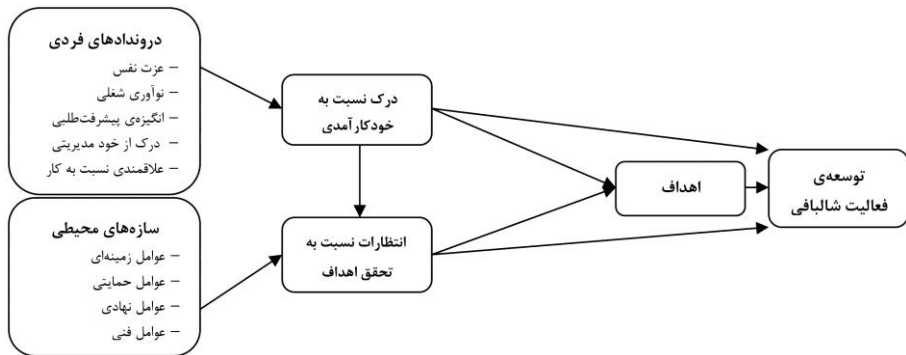
³ Lent

محیطی) فراهم می‌سازد. در این چارچوب رابطه بین دروندادهای فردی و محیطی با تجارب یادگیری، درک از خودکارآمدی، انتظارات نسبت به هدف بررسی شده و اثر این عوامل بر علائق، اهداف و کنش فرد (انتخاب شغل، توسعه‌ی شغل و غیره) تعیین می‌گردد (کامپنگ‌هام و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۶۷ و شورمان و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۷۵). بر مبنای دیدگاه طرح شده در این چارچوب، درک از خودکارآمدی، به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای فردی، اشاره بر قضاوت افراد از توانایی‌های خود برای سازماندهی و اجرای فعل برای دستیابی به اهداف مورد نظر دارد (بندورا، ۱۹۸۶: ۳۹۱). انتظارات نسبت به اهداف، به عنوان باورهایی در مورد نتایج کار یا عمل خاصی تعریف شده است (لنت و همکاران، ۲۰۰۳: ۴۵۸). بندورا (۱۹۸۶) سه شکل از انتظارات نسبت به اهداف را در قالب انتظارات فیزیکی (به عنوان مثال، پاداش‌های پولی، قدرت و یا منزلت شغلی)، اجتماعی (به عنوان مثال، تایید و یا عدم تایید کار از نظر دیگران) و خود ارزیابی (رضامندی و رضایت شخصی در ارتباط با کار انجام شده) تعریف می‌کند. انتظارات اجتماعی به مثابه تأیید زمینه اجتماعی، بستر خانوادگی و همراهی و مدارای همسر و فرزندان در جهت توسعه شغل زنان می‌باشد. این مقوله در قالب کلیشه‌های جنسیتی به زنان در جامعه و اثر آن بر نقش‌های اجتماعی نیز نمود دارد (رضوانی و زنجانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۶).

در نهایت با جمع‌بندی پیشینه نگاشته‌ها چارچوب نظری پژوهش با اقتباس از نظریه اجتماعی شناختی شغلی (SCCT) به شرح زیر ارائه شده‌است. بر مبنای نظریه SCCT، فرضیه‌هایی دال بر وجود رابطه بین سازه‌های محیطی (شامل عوامل فنی، حمایتی، زمینه‌ای و نهادی) و دروندادهای فردی (شامل نوآوری شغلی، عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت طلبی و عوامل درک از خود مدیریتی) بر توسعه رفتار شغلی مطرح است. به عبارت دیگر، هریک از دروندادهای فردی و سازه‌های محیطی با اثرگذاری بر روی انتظارات نسبت به اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی به طور غیرمستقیم بر توسعه فعالیت شالباپی تأثیر دارند. همچنین انتظارات نسبت به اهداف و خودکارآمدی بر روی



اهداف تأثیر دارند. متغیرهای اهداف، انتظارات نسبت به تحقق اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی بر توسعه فعالیت شالبافی تأثیر مستقیم دارند (نمودار ۱).



نمودار ۱: الگوی علی پیشنهادی سازه‌های مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی، اقتباس و تحلیل‌شده از مدل از لنت و همکاران (۱۹۹۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و به روش اسنادی و پیمایش انجام شده است. با استفاده از روش اسنادی، مبانی نظری و مفهومی موضوع مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته و از روش پیمایش نیز برای بررسی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است (احمدوند و شریف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۹). جامعه آماری این پژوهش را زنان روستایی فعال اقتصادی بالقوه (۱۵ تا ۶۴ سال) تشکیل می‌دهند. نوع نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع طبقه‌ای می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از جدول گرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) استفاده شده است. بدین منظور جامعه آماری پژوهش از بین زنان بالای ۱۵ سال بخش آرمده شهرستان بانه انتخاب شدند و از هر گروه سنی ۱۰ درصد جمعیت انتخاب شدند. در مجموع از ۲۰۵ زن روستایی مصاحبه به عمل آمد که در نهایت، اطلاعات مورد نیاز از ۱۷۰ پرسش‌نامه

^۱ Krejcie & Morgan

کامل شده استخراج شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه ساختارمند با استفاده از پرسش‌نامه حاوی سوالات بسته و تعدادی سوال باز بود. متغیر وابسته پژوهش حاضر توسعه فعالیت شالبافی و منظور از آن، تمامی فرآیندهایی است که در راستای بسط و پیشبرد اهداف کاری در پیش گرفته می‌شود تا فعالیت کاری به لحاظ دامنه و وسعت گسترش یابد. این متغیر از طریق یک سؤال باز مورد سنجش قرار گرفته است. متغیرهای مستقل که همان سازه‌های اثرگذار بر توسعه فعالیت شالبافی می‌باشند مشتمل بر دروندادهای فردی، سازه‌های محیطی، اهداف، انتظارات نسبت به تحقق اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی می‌باشند. منظور از دروندادهای فردی آن دسته از عواملی است که ناشی از ویژگی‌ها و حالات فرد بوده و چگونگی آن‌ها باعث تغییر در موقعیت فرد می‌گردد (محمودی برام، ۱۳۹۲: ۴۹). دروندادهای فردی در قالب متغیرهای عزت نفس، نوآوری شغلی، درک از خود-مدیریتی، علاقمندی نسبت به کار و انگیزه‌ی پیشرفت‌طلبی مورد بررسی قرار گرفت. مقیاس عزت نفس روزنبرگ^۱ (۱۹۶۵)، نوآوری شغلی مقیمی (۱۳۸۸)، پیشرفت‌طلبی هرمنس^۲ (۱۹۷۰) و آزمون محقق ساخته طیف لیکرتی جهت سنجش درک از خود-مدیریتی، علاقمندی نسبت به کار به کار گرفته شد. سازه‌های محیطی در قالب عوامل زمینه‌ای (۵ گویه)، حمایتی (۶ گویه)، نهادی-زیرساختی (۸ گویه) و فنی (۵ گویه) بررسی گردید. برای سنجش اهداف و انتظارات نسبت به تحقق اهداف از ۱۴ گویه طیف لیکرتی پنج گزینه‌ای بهره گرفته شد. روایی صوری ابزار سنجش توسط پانل متخصصان تأیید گردید. به منظور آزمون پایایی نیز یک مطالعه راهنما خارج از محدوده مورد پژوهش ترتیب داده شد و بر اساس نتایج مطالعه راهنما، ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های پرسش‌نامه بین ۰/۵ تا ۰/۹ به دست آمد (جدول ۱). پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، گویه‌ها کدگذاری شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۱۹} تجزیه و تحلیل شدند.

^۱ Rosenberg

^۲ Hermans



جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ (α)
دروندهای فردی	عزت نفس	۰/۸۶
	نوآوری شغلی	۰/۶
	انگیزه‌ی پیشرفت طلبی	۰/۷۲
	درک از خود - مدیریتی	۰/۸۵
	علاقه‌مندی نسبت به کار	۰/۸۷
	عوامل زمینه‌ای	۰/۷۴
سازه‌های محیطی	عوامل حمایتی	۰/۸
	عوامل نهادی زیرساختی	۰/۵۷
	عوامل فنی	۰/۶۵
	اهداف فردی	۰/۹
انتظارات نسبت به تحقق اهداف	۰/۹۱	۱۴
درک نسبت به خودکارآمدی	۱۰	۰/۷۸

یافته‌ها و بحث

بررسی ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش در جدول ۲ نشان می‌دهد، زنان روستایی مورد مطالعه از متوسط سن ۳۴/۶۳ سال ($SD=12/901$) و سطح تحصیلات ۸/۴۴ سال ($SD=4/678$) برخوردار هستند، که از این تعداد ۷۰/۸ درصد متأهل، ۲۱/۲ درصد مجرد و ۸ درصد بیوه بودند و متوسط میانگین تحصیلات برای همسران آنها ۹/۲۶ سال

(SD= ۳/۹۳۷) می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که ۸/۸ درصد از پاسخگویان سرپرست خانوار بودند و ۸۸/۳ درصد تحت تکفل بودند. همچنین متوسط بعد خانوار آنها ۵ نفر بود. بر مبنای یافته‌ها، متوسط درآمد ماهیانه فردی هر زن شالباغ برابر با ۱۰،۰۴۰،۱۷۰ ریال و متوسط میزان درآمد ماهانه خانوار برابر با ۷،۴۰۹،۵۷۴ ریال می‌باشد. همچنین شالباغی شغل اصلی ۶۴/۲ درصد و شغل فرعی ۳۰/۷ درصد از زنان می‌باشد، که از این میزان ۶۸/۶ درصد به عنوان کارفرما و ۲۵/۵ درصد به عنوان مزدبگیر فعالیت می‌کنند. به طور متوسط زنان در طول روز ۴/۵۱ ساعت و مردان ۹/۹۸ ساعت کار درآمدزا انجام می‌دهند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مدت فعالیت زنان در شالباغی به طور متوسط ۱۱۲/۹۱ ماه می‌باشد.

جدول ۲: ویژگی‌های جامعه‌شناختی زنان روستایی مورد مطالعه

ویژگی‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن	۳۴/۶۳	۱۲/۹۰۱	۱۵	۶۵
تعداد فرزندان	۴/۳۲	۱/۸۸۶	۱	۹
اعضای خانوار (نفر)	۵/۰۱	۱/۷۲۸	۱	۹
سطح سواد (سال)	۸/۴۴	۴/۶۷۸	۱	۱۶
سطح سواد همسر (سال)	۹/۲۶	۳/۹۳۷	۱	۱۶
درآمد ماهانه خود (ریال)	۱۰،۰۴۰،۱۷۰	۷،۷۶۵،۹۲	۱۰۰،۰۰۰	۹،۰۰۰،۰۰۰
درآمد ماهانه خانوار (ریال)	۷،۴۰۹،۵۷۴	۲،۹۱۳،۵۹۶	۱،۰۰۰،۰۰۰	۱۵،۰۰۰،۰۰۰
فعالیت درآمدزای روزانه زنان (ساعت)	۴/۵۱	۲/۳۵۶	۱	۱۲
فعالیت درآمدزای روزانه مردان (ساعت)	۹/۹۸	۲/۱۹۰	۴	۱۴
مدت اشتغال به فعالیت در شالباغی (ماه)	۱۱۲/۹۱	۹۶/۵۶۵	۳	۳۶۰



دروندهای فردی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی

دروندهای فردی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی، ۵ سازه‌ی درک از خود-مدیریتی، انگیزه پیشرفت طلبی، عزت نفس، علاقمندی نسبت به کار و نوآوری شغلی را در بر می‌گیرد. بر مبنای یافته‌های جدول ۳، سازه درک از خود-مدیریتی با میانگین ۳/۳۶ (انحراف معیار ۰/۶۵) اولویت اول و نوآوری شغلی با میانگین ۲/۴۵ و انحراف معیار ۱/۲۲ در اولویت آخر در بین سازه‌های تشکیل دهنده این مؤلفه قرار دارد. سازه درک از خود-مدیریتی به ارزیابی چگونگی مهارت زنان در ایجاد تعادل بین کار شالبافی و دیگر مسئولیت‌های زنان از قبیل تربیت فرزندان و غیره می‌پردازد. بنابراین این عامل می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل در بین دروندهای فردی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی بشمار رود. عامل نوآوری شغلی به بررسی ابتکار و نوآوری شغلی پاسخگویان در سال اخیر، تمایل به ابتکار و نوآوری شغلی، تمایل به تغییر شیوه کار کردن خود و غیره می‌پردازد و با توجه به این که پاسخگویان از ابتکار و نوآوری پایینی برخوردار بودند، بنابراین این عامل در بین دروندهای فردی دارای اولویت آخر می‌باشد. علاقمندی زنان روستایی به فعالیت شالبافی در حد نسبتاً ضعیفی بوده است ($\bar{x}=2/89$)، هر چند بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول ۵، زنان به طور متوسط اهداف مدونی را از گرایش به شالبافی دنبال می‌نمودند ($\bar{x}=3/54$).

جدول ۳: وضعیت پس زمینه‌های فردی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی (n=137)

اولویت بندی	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	مؤلفه‌ها
۱	۰/۱۹	۰/۶۵	۳/۳۶	خود مدیریتی
۲	۰/۲۳	۰/۶۴	۲/۶۸	انگیزه‌ی پیشرفت طلبی
۳	۰/۲۴	۰/۷۱	۲/۸۹	علاقمندی به کار
۴	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۷۵	عزت نفس**
۵	۰/۴۹	۱/۲۲	۲/۴۵	نوآوری شغلی

*: دامنه‌ی میانگین بین ۱ تا ۵ است.

** : دامنه‌ی میانگین بین ۱- تا ۱ است.

سازه‌های محیطی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی

سازه‌های محیطی، بستر لازم برای توسعه فعالیت شالبافی را مهیا می‌سازد. بر مبنای یافته‌های جدول ۴، عامل نهادی- زیرساختی با میانگین ۳/۲۱ (انحراف معیار ۰/۴۱) اولویت اول را در بین سازه‌های تشکیل دهنده این مؤلفه به خود اختصاص داده‌است. این عامل به بررسی دسترسی به اطلاعات و بازار خرید و فروش مواد اولیه و محصولات، تأثیر کمبود و ضعف مالی، تأثیر نبود مواد اولیه، نبود فضای کافی برای پرورش بز و تأثیر فاصله خانه تا محل کار می‌پردازد. عامل زمینه‌ای به بررسی میزان بهداشت محل کار می‌پردازد. با توجه به اینکه یکی از علل عدم توسعه فعالیت شالبافی بیماری‌هایی مانند دیسک کمر، آسم و غیره می‌باشد، بنابراین عامل زمینه‌ای بعد از عامل نهادی- زیرساختی در اولویت دوم قرار دارد. عامل حمایتی سومین اولویت را در بین مؤلفه‌های زمینه محیطی مستعد کننده توسعه فعالیت شالبافی به خود اختصاص داده است. برخی از سازه‌های گرایش زنان به توسعه شالبافی، حمایت‌های مثبت جامعه (کسب منزلت اجتماعی) و اعضای خانواده به ویژه همسر و فرزندان، و برخی نیز سازه‌های منفی مؤثر بر توسعه شالبافی (سخت‌گیری و خشونت خانوادگی، اعمال فشار برای گرایش به شالبافی ناشی از بیکاری و نبود درآمد و غیره) بوده‌است. عامل فنی چهارمین اولویت را در بین زمینه‌های محیطی مؤثر بر توسعه شالبافی دارد. این عامل، به بررسی دسترسی به ابزارآلات پیشرفته، دسترسی به آموزشگران، وسایل خاص جهت حمل و نقل سالم تولیدات (شال محصولی پشمی است بنابراین نگهداری آن به تجهیزات متناسب نیازمند است)، بازار رسانی تولیدات و غیره پرداخته است. از آنجایی که شالبافی کاری کاملاً سنتی است بنابراین نیازی به ابزارآلات پیشرفته تولید ندارد و با توجه به نزدیکی به بازار مصرف امکانات چندانی نیز جهت بازار رسانی مورد نیاز نیست.



جدول ۴: زمینه محیطی مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی (n=۱۳۷)

اولویت‌بندی	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	مؤلفه‌ها
۱	۰/۱۲	۰/۴۱	۳/۲۱	عوامل نهادی- زیرساختی
۲	۰/۱۴	۰/۵۵	۳/۷۷	عوامل زمینه‌ای
۳	۰/۱۴	۰/۵	۳/۴۳	عوامل حمایتی
۴	۰/۲۱	۰/۷۳	۳/۴۶	عوامل فنی

* : دامنه‌ی میانگین بین ۱ تا ۵ است.

یافته‌های جدول ۵ حاکی از آن است که زنان از نظر درک نسبت به خودکارآمدی در فعالیت شالبافی از سطح متوسطی برخوردار می‌باشند (میانگین ۳/۰۷ و انحراف معیار ۰/۳۰). درک نسبت به خودکارآمدی به بررسی میزان توانایی زنان برای مقابله با مشکلات در شالبافی، توانایی ارائه راهکارهای مختلف و کنترل فضای کار شالبافی در زمان مواجه شدن با مشکلی در شالبافی، می‌پردازد. بنابراین بر مبنای ضرایب تغییر مندرج در جدول ۵، درک نسبت به خودکارآمدی نسبت به دو عامل دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. انتظارات نسبت به تحقق اهداف (میانگین ۳/۱۴ و انحراف معیار ۱/۱۳) نیز از وضعیت متوسطی در بین زنان شالباف برخوردار بوده است. این متغیر به شناسایی میزان تحقق هدف زنان روستایی و تأمین انتظارات آنها از گرویدن به این فعالیت می‌پردازد. برخی از این انتظارات شامل پاسخگویی به نیازهای مادی (خریداری زیورآلات، وسایل منزل، تأمین مایحتاج زندگی، هزینه تحصیل فرزندان، تهیه جهیزیه، توسعه شغلی و غیره) بوده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، فعالیت شالبافی در حد متوسطی انتظارات زنان روستایی را پاسخ داده است.

جدول ۵: متغیرهای مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی زنان روستایی (n=۱۳۷)

مؤلفه‌ها	میانگین*	انحراف معیار	ضریب تغییرات
خودکارآمدی	۳/۰۷	۰/۳۰	۰/۰۹
انتظارات نسبت به اهداف	۳/۱۴	۱/۱۳	۰/۳۵
اهداف	۳/۵۴	۱/۴۲	۰/۴۰

* : دامنه‌ی میانگین بین ۱ تا ۵ است.

واکاوی مدل علی سازه‌های مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی

برای تبیین سازه‌های مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی، با توجه به چارچوب نظری تحقیق از آزمون تحلیل مسیر^۱ بهره گرفته شد. در تحلیل مسیر میزان مناسب بودن مدل مبتنی بر ضریب تعیین (R^2) بدست آمده از طریق رگرسیون می‌باشد. این تکنیک از ضرایب رگرسیون استاندارد شده جزئی (که به وزن بتا معروف است) به عنوان ضرایب مسیر استفاده کرده و اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر را تعیین می‌کند. هر کدام از متغیرهای مستقل از طریق یکدیگر بر متغیر وابسته وارد می‌آورند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

بر مبنای یافته‌های پژوهش ۱۰ متغیر اهداف، انتظارات نسبت به تحقق اهداف، درک نسبت به خودکارآمدی، نوآوری شغلی، انگیزه‌ی پیشرفت طلبی، علاقمندی نسبت به کار، عزت نفس، درک از خود-مدیریتی، عوامل حمایتی، عوامل نهادی-زیرساختی، عوامل فنی و عوامل زمینه‌ای وارد مدل شدند. بررسی نمودار ۲، سازو کارهای علی مربوط به متغیرهای مدل و توسعه فعالیت شالبافی در منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. تفکیک اثرات علی مستقیم متغیرها بر توسعه فعالیت شالبافی در منطقه مورد مطالعه مطابق جدول ۶ حاکی از آن است که، متغیر درک نسبت به خودکارآمدی دارای بیشترین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار بر توسعه فعالیت شالبافی است ($P < 0/01$ ، $\beta = 0/25$ ، $t = 0/23$). این یافته با نتایج مطالعات شورمان و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت

¹ Path Analysis



ندارد. آنها در پژوهشی در باره منزلت زنان آمریکایی آفریقایی تبار دریافتند که درک نسبت به خودکارآمدی بر توسعه شغلی اثر مستقیم و معنی داری ندارد. ولی با یافته‌های کامینگ هام و همکاران (۲۰۰۷)، مطابقت دارد. آنها در پژوهشی پیرامون اهداف زنان از مریبگری به این نتیجه رسیدند که خودکارآمدی اثر مستقیم مثبت و معنی داری بر توسعه شغلی دارد.

اهداف اثر مستقیم مثبت و معنی داری بر توسعه فعالیت شالبافی دارد ($P < 0/05$ ، $t = 0/17$ ، $\beta = 0/12$) و می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای توسعه فعالیت شالبافی باشد. این یافته با نتایج شورمان و همکاران (۲۰۱۴) که در پژوهشی با بررسی منزلت زنان آمریکایی آفریقایی تبار دریافتند که اهداف، اثر مستقیم مثبت و معناداری با اشتغال دارد، همخوانی دارد.

نمودار ۲ نشان می‌دهد که انتظارات نسبت به تحقق اهداف اثر مستقیمی بر توسعه فعالیت شالبافی ندارند. ولی این متغیر به صورت غیر مستقیم و منفی از طریق درک نسبت به خودکارآمدی ($-0/08$) بر روی توسعه فعالیت شالبافی تأثیر دارد. این یافته با نتایج علیایی و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت ندارد. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر این محققان نشان داد که انتظارات نسبت به تحقق اهداف بر سهم زنان روستایی از درآمد اثر مستقیم مثبت و معناداری دارد. جدول ۷ نشان می‌دهد که درک از خود مدیریتی بر روی توسعه فعالیت شالبافی اثر مستقیم و مثبت و معنادار دارد ($P < 0/05$ ، $t = 0/23$ ، $\beta = 0/26$). همچنین این متغیر از طریق درک نسبت به خودکارآمدی اثر غیر مستقیم و مثبت ($0/07$) بر روی توسعه فعالیت شالبافی دارد. این یافته با نتایج علیایی و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت دارد. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر پژوهش این محققان در مورد سهم زنان روستایی از درآمد خانوار نشان داد که درک نسبت به خود مدیریتی بر سهم زنان روستایی از درآمد اثر مستقیم مثبت و معناداری دارد. مطابق نمودار ۲ انگیزه پیشرفت طلبی بر توسعه فعالیت شالبافی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارد ($P < 0/05$ ، $t = 0/21$ ، $\beta = 0/09$). این یافته با نتایج شورمان و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. آنها نیز در پژوهشی که با استفاده از نظریه اجتماعی شناختی شغلی صورت پذیرفت،

دریافتند که بین توسعه شغلی و انتظارات نسبت به تحقق اهداف رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

یافته‌های جدول ۶ و نمودار ۲ حاکی از آن است که عزت نفس بر توسعه فعالیت شالباپی اثر مستقیم، مثبت و معناداری ($\beta=0/16, t=0/18, P<0/05$) دارد. همچنین، به واسطه اثر بر "درک نسبت به خودکارآمدی" اثر غیر مستقیم، مثبت و معنی‌داری ($0/03$) بر متغیر توسعه فعالیت شالباپی دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) و کامینگ‌هام و همکاران (۲۰۰۷) مطابقت دارد. سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی عوامل مؤثر بر پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی را بررسی نمودند. کامینگ‌هام و همکاران (۲۰۰۷) نیز، اهداف زنان از مریگیری را مورد واکاوی قرار دادند. یافته‌های هر دو پژوهش نشان داد که بین اعتماد بنفس و توسعه شغلی اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

علاقتمندی نسبت به کار اثر مستقیم، مثبت و معنادار ($\beta=0/02, t=0/3, P<0/05$) و همزمان اثر غیر مستقیم و مثبتی ($0/05$) بر روی توسعه فعالیت شالباپی دارد. عوامل زمینه‌داری اثر مستقیم منفی و معنادار ($\beta=-0/01, t=0/1, P<0/05$) بر روی توسعه فعالیت شالباپی است. همچنین این متغیر از طریق انتظارات نسبت به تحقق اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی دارای اثر غیر مستقیم و منفی ($-0/01$) بر روی توسعه فعالیت شالباپی است. این یافته با نتیجه مطالعات شورمان و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت ندارد. شورمان و همکاران در مطالعه خود منزلت زنان آمریکایی آفریقایی تبار را پژوهش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین علاقتمندی نسبت به کار و توسعه شغلی رابطه غیر مستقیم برقرار است.

عوامل حمایتی بر توسعه فعالیت شالباپی دارای اثر مستقیم مثبت و معنادار ($\beta=0/1, t=0/19, P<0/05$) است. همچنین این متغیر از طریق انتظارات نسبت به تحقق اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی اثر غیر مستقیم و مثبت ($0/08$) بر توسعه فعالیت شالباپی دارد. این یافته با نتایج علیایی و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت دارد. این محققان با پژوهشی در خصوص عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان



روستایی از درآمد خانوار نشان دادند که عوامل حمایتی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر روی سهم زنان روستایی از درآمد خانوار دارد.

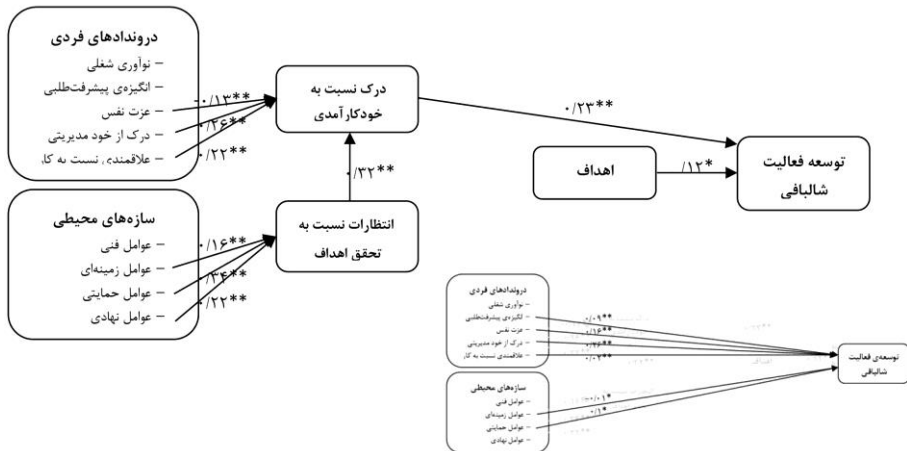
جدول ۶: مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته (توسعه فعالیت شالبافی)

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثر علی کل	ضریب همبستگی	اثر غیر علی
اهداف	۰/۱۲	-	۰/۱۲	۰/۱۷*	۰/۰۵
درک نسبت به خودکارآمدی	۰/۲۳	-	۰/۲۳	۰/۲۵**	۰/۰۲
درک از خود-مدیریتی	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۳۳	۰/۲۳*	-۰/۱
انگیزه‌ی پیشرفت طلبی	۰/۰۹	-	۰/۰۹	۰/۲۱*	۰/۱۲
علاقمندی نسبت به کار	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۳*	۰/۲۷
نوآوری شغلی	-	-	-	-	-
عزت نفس	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۱۸*	-۰/۰۱
انتظارات نسبت به تحقق اهداف	-	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۱۴	-۰/۰۶
عوامل زمینه‌ای	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۱*	۰/۱۲
عوامل حمایتی	۰/۱۰	-۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۱۹*	۰/۱۱
عوامل نهادی- زیرساختی	-	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۸
عوامل فنی	-	-	-	-	-

* و ** به ترتیب معنی‌داری در سطح پنج و یک درصد

عوامل نهادی زیرساختی با توسعه فعالیت شالبافی همبستگی معناداری ندارد. این یافته بنا بر نبود اثر مستقیم این متغیر بر توسعه فعالیت شالبافی می‌باشد. ولی بر مبنای نتایج جدول ۶، عوامل نهادی زیرساختی از طریق متغیر انتظارات نسبت به تحقق اهداف و درک نسبت به خودکارآمدی اثر غیر مستقیم و منفی (۰/۰۱-) بر توسعه فعالیت شالبافی دارد. این نتیجه با یافته‌های پاپزن و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت ندارد. این محققان با پژوهشی در خصوص ارزشیابی آموزشی‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی نشان دادند که نبود صرفه اقتصادی در سطح خرد و محدودیت اعتبارات مانع اشتغال زنان در صنایع دستی می‌شود.

همچنین با توجه به نمودار ۲ و جدول ۶ متغیرهای ابتکار و نوآوری شغلی و عوامل فنی بر هیچکدام از متغیرهای مورد بررسی اثر معناداری ندارند.



نمودار ۲: تحلیل مسیر و ضرایب بتای عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی
(نمودار بالا: اثرات علی مستقیم و نمودار گوشه سمت راست: اثرات غیرمستقیم)



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

لازمه توسعه پایدار روستایی، مشارکت همه اقشار و گروه‌های جامعه (به ویژه زنان) در فرآیند اجتماعی و اقتصادی روستاست. ضرورت توجه به رهیافت اشتغال در زمینه‌ی صنایع دستی و توسعه این بخش در میان زنان روستایی که نیمی از جمعیت روستایی کشور را تشکیل می‌دهند علاوه بر توسعه این صنعت در کشور، موجب افزایش اشتغال زنان روستایی می‌شود. در این راستا دستگاه‌های اجرایی مانند میراث فرهنگی به دنبال توسعه این بخش در میان زنان روستایی بوده‌است. لذا تبیین عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت شالبافی در میان زنان روستایی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

با توجه به نتایج تحقیق یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر برای توسعه فعالیت شالبافی، درک نسبت به خودکارآمدی می‌باشد، که در بین متغیرهای تحقیق بیشترین تأثیر مستقیم مثبت و معنادار بر روی توسعه فعالیت شالبافی دارد. درک از خودمدیریتی نیز از مهم‌ترین سازه‌های اثرگذار بر متغیر درک نسبت به خودکارآمدی می‌باشد. خودکارآمدی بیشتر از این که تحت تأثیر ویژگی‌های هوش و توان باشد متأثر از ویژگی‌های شخصیتی از جمله تلاشگر بودن، خود تنظیمی، خود رهبری و غیره است (محمودی برام، ۱۳۹۲: ۴۰). لذا درک از خودمدیریتی به عنوان سلسله مراتبی از رفتار که طی آن فرد برای رسیدن به یک نتیجه رفتاری دلخواه، خود را ملزم به انجام فعالیت، راهنمایی و ترغیب می‌نماید، بیشترین اثر مستقیم را بر درک از خودکارآمدی داشته است. بخشی از این امر ناشی از ریشه مفهومی خودمدیریتی می‌باشد. خود راهیابی، کنترل بر خود و مدیریت بر خود از مهم‌ترین مؤلفه‌های خودمدیریتی رفتار می‌باشند (ملاحسینی و برخوردار، ۱۳۸۶: ۱۰۲). لذا یکی از اقدامات اساسی برای توسعه این بخش، تأکید بر اهمیت شالبافی و گسترش درک نسبت به خودکارآمدی در بین مردم منطقه مورد پژوهش است. برای این منظور ارائه برنامه‌های آموزشی و تبلیغی مناسب خصوصاً توسط رسانه‌های عمومی و اداره میراث فرهنگی، افزایش میزان آگاهی زنان منطقه در

خصوص شالبافی و نظارت بیشتر مسئولین بر کارگاه‌های شالبافی در منطقه می‌تواند تأثیرگذار باشد.

عوامل زمینه تأثیر مستقیم مثبت و معناداری روی توسعه فعالیت شالبافی دارد. با توجه به اینکه این عامل به فضای بهداشتی محیط شالبافی می‌پردازد، همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش یکی از عوامل عدم توسعه فعالیت شالبافی در منطقه بیماری شالبافان می‌باشد، که این عامل بیشتر ناشی از عدم بهداشتی بودن بعضی از کارگاه‌های شالبافی می‌باشد. لذا یکی از اقدامات اساسی در این زمینه توجه ویژه مسئولین بهداشت منطقه به کارگاه‌های شالبافی و همچنین آموزش‌های لازم برای رعایت بهداشت در این مکان‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد.

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر علاقمندی نسبت به کار هم دارای تأثیر مستقیم و غیر مستقیم مثبت و معنادار بر روی توسعه فعالیت شالبافی می‌باشد. این نتیجه بدان معناست که هر چه علاقمندی بالا باشد توسعه فعالیت شالبافی بیشتر است. همچنین با توجه به یافته‌های کیفی پاسخگویان دلایل عدم توسعه فعالیت شالبافی را عدم علاقه برخی از شالبافان به دلیل اجبار برای شالبافی بیان کرده‌اند. که این عامل می‌تواند در عوامل دیگر مانند عزت نفس، انگیزه پیشرفت طلبی و سایر عوامل فردی مورد پژوهش تأثیر داشته باشد. لذا یکی از راه‌های مقابله با این مشکل افزایش آگاهی مردم در مورد سایر مشاغل دیگر در منطقه از طریق آموزش و ایجاد فرهنگ کار زنان در این منطقه می‌تواند تأثیرگذار باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان از ابتکار و نوآوری شغلی پایینی برخوردار می‌باشند. لذا یکی از اقدامات صورت گرفته در این زمینه این است که در نگرش زنان نسبت به روش‌های نوین و خارج شدن از روش سنتی تغییر داد. بنابراین آموزش‌های ترویجی از سوی مسئولین مورد اعتماد مردم تأثیرگذار است. همچنین روش‌های نوین باید به صورت آسان و ارزان در اختیار مردم قرار گیرد.



منابع

- آراستی، زهرا (۱۳۸۵). زنان کارآفرینی؛ ساختارهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه. پژوهش زنان ۴ (۱ و ۲): ۹۳-۱۱۹.
- احمدوند، مصطفی و شریف‌زاده، مریم (۱۳۹۰). تعیین کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان بویر احمد. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان* ۹ (۳): ۱۶۶-۱۳۹.
- امینی، امیر مظفر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه‌ی جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان). *پژوهش زنان* ۷ (۴): ۷-۲۹.
- پاپزن، عبدالحمید؛ خالدی، خوشقدم و سلیمانی، عادل (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی. *جامعه‌شناسی زنان* ۲ (۳): ۳۷-۲۱.
- جمشیدی، علی‌رضا؛ صیدایی، سید اسکندر؛ جمشیدی، معصومه و جمینی، داود (۱۳۹۲). تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آنها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چرادول). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای* ۳ (۱۲): ۹۲-۸۳.
- حاجی‌نوروز، سهیلا، مهرعلیزاده، یدا... و کراهی مقدم، سیروس (۱۳۹۳). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای شغلی زنان (موردکاوی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۲ (۲): ۱۱۷-۱۴۶.
- حاجیلو، فتانه و خانی، فضیله (۱۳۸۷). بررسی نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی. *روستا و توسعه* ۱۱ (۱): ۱۷۱-۱۵۱.
- حسابی، معصومه، مقصودی، شاهرخ، امامی سیگارودی، عبدالحسین، کاظم‌نژاد لیلی، احسان و منفرد مؤدهی، آرزو (۱۳۹۴). تعارض کار- خانواده در پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی شهر رشت. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۳ (۴): ۱۵۲-۱۲۳.

رضوانی، مهدیه و زنجانی‌زاده، هما (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر تقسیم کار در خانواده مطالعه موردی: زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۳(۴): ۶۰-۲۹.

روستا، کورش،، تاجریزی، الهام و زمانی‌پور، اسدا... (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای تولیدی. *تعاون* ۲۱(۲): ۹۱-۱۰۹.

سروش مهر، هما، رفیعی، حامد،، کلانتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹). بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه‌ی موردی: شهرستان همدان). *پژوهش‌های روستایی* ۱(۱): ۱۶۶-۱۴۳.

سواری، مسلم،، مخلص‌آبادی فراهانی، مرتضی،، ساکی، صمد و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۹۲). تحلیل نگرش زنان روستایی شهرستان دیواندره نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی. *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی* ۴(۴): ۲۸۶-۲۵۹.

سلیمان نوری، رضا (۱۳۸۹). صنایع دستی فرصتی برای حضور بهتر در جهان. *جاده‌های سبز* ۶۲(۴۳-۴۱).

علیایی، محمدصادق،، رضوانفر، احمد و اکبری، مرتضی (۱۳۸۸). تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار: مطالعه موردی شهرستان دیواندره. *علوم کشاورزی و منابع طبیعی* ۱۶(۱): ۲۲-۱۲.

علیایی، محمد صادق و دهقان نیستانی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی توانمندی‌های اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران* ۵(۱): ۸۱-۶۸.

علیدوست، سمیه،، لشگرآرا، فرهاد و فرج‌اله حسینی، سید جمال (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار. *کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان*: ۱۳-۱.



فتاحی، ظاهر (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه صنایع دستی روستایی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان بانه). نخستین همایش علمی- تخصصی توسعه روستایی و کشاورزی با تأکید بر تولید ملی، ۵-۱

کرباسی، علی‌رضا و یعقوبی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی بازارهای تعاونی‌های صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان. *تعاون* ۲۲(۵): ۴۶-۲۱.

کریمی، جلیله و شریف‌زاده، مریم (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان روستایی به فعالیت صنایع دستی: مور مطالعه شالبافی زنان روستایی شهرستان بانه. سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان ۲۲ و ۲۳ مرداد، مؤسسه آموزش عالی عمران و توسعه: ۷-۱.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۵). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی*. چاپ دوم. تهران: شریف.

کمیسیون اصلی برنامه و بودجه (۱۳۹۰). طرح الزام شهرداری‌ها به تأمین تسهیلات، حمایت و توسعه صنایع دستی بومی. موجود در سایت: www.shoraha.org.ir

محمودی برام، موسی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی مناطق روستایی: مورد شهرستان کوهرنگ. پایان‌نامه‌ی دوره کارشناسی ارشد، مدیریت و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج. مقیمی، محمد (۱۳۸۸). *سازمان و مدیریت: رویکردی پژوهشی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات ترمه.

ملاحسینی، علی و برخوردار، بابک (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین مهارت‌های خود مدیریتی و نوآوری کارکنان در سازمان‌های استان کرمان. *علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌ی مدیریت»* ۷(۲۵): ۹۸-۱۱۲.

میرک‌زاده، علی‌اصغر، علی‌آبادی، وحید و شمس، علی (۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. *روستا و توسعه* ۱۳(۲): ۱۶۵-۱۴۷.

نوری، سید هدایت ا... و غفاری، سید رامین (۱۳۸۵). جایگاه زنان روستایی در فرآیند توسعه پایدار: مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری. *روستا و توسعه* ۹(۳): ۷۳-۹۵.

یعقوبی، جعفر (۱۳۸۴). بررسی اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان. *پژوهش زنان* ۳(۱): ۱۴۶-۱۲۵.

- Alam, S. S., Jani, M., Mohd, F. & Omar, N. A. (2011). An empirical study of success factors of women entrepreneurs in Southern region in Malaysia. *International Economics and Finance* 3(2): 166-175.
- Aly, Y.H. & Quisi, I.A. (1996). Determinants of women labor force participation in Kuwait: A logit analyses. *Middle East Business and Economic Review* 8(2): 1-9.
- Bandura, A. (1986). *Social Foundations of Thought and Action: A Social cognitive Theory*. Englewood Chiffs, NJ: prentice- Hall: 389-204.
- Bansal, S.P and Kumar, J. (2011). Women empowerment and self-sustainability through tourism: A case study of self-employed women in handicraft sector in Kullu Valley of Himachal Pradesh. *Himachnal Pradesh University Journal*: 1-11.
- Buteniene, V. (2012). Ecology: Its role in sustainable handicraft sector development. International Internet Conference "Young Science" School of Economics and Management in Public Administration in Bratislava: 1-6.
- Chambers, R. (2014). *Rural development: Putting the last first*. NY: Routledge.
- Chronister, K. M. & McWhirter, E. H. (2003). Applying social cognitive career theory to the empowerment of battered women. *Counseling and Development* (81): 418-425.
- Cunningham, G., Doherty, A. & Gregg, M. (2007). Using social cognitive career theory to understand head coaching intentions among assistant coaches of women's teams. *Sex Roles* (56): 365-372.
- Hermans, H. J. M. (1970). A questionnaire measure of achievement motivation. *Journal of Applied Psychology* (54): 353-363.
- Inda, M., Rodriguez, C. & Pena, J. V. (2013). Gender differences in applying social cognitive career theory in engineering student. *Vocational Behavior* (83): 346-355.
- Komngolo, M. & Bamgose, O. (2002). Participation of rural women in development: A case study of Tethering, Thintwa and Makhalaneng villages. *South African Journal of International Women's student* 4(1): 1-9.



- Krejcie, J. R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement* 30: 607-610.
- Kritzinger, A. & Vorster, J. (1996). Women farm workers on South African deciduous fruit farm: Gender relation and the structuring of work. *Rural Studies*, 12(4): 339- 351.
- Leonard, M. (2001). Old win in new 130 tales? Women working inside and outside the household' women's students. *International Forum* 24(1): 67-68.
- Lent, R. W., Brown, S. D., & Hackett, G. (1994). Toward a unifying social cognitive theory of career and academic interest, choice, and performance. *Vocational Behavior* (45): 79-122.
- Lent, R., Brown, S., Schmidt, D., Brenner, B., Lyons, H & Tristman, D. (2003). Relation of contextual supports and barriers to choice behavior in engineering majors: Test of alternative social cognitive models. *Counseling Psychology* (50): 458- 465.
- Lent, R.W., Ezeofor, I., Morrison, M. A., Penn, L.T., & Ireland, G.W. (2016). Applying the social cognitive model of career self-management to career exploration and decision-making. *Vocational Behavior* (93): 47-45.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development. eSS Student paper Sathiabama/ Women Empowerment: 1-8.
- Schaub, M., & Tokar, D. M. (2005). The role of personality and learning experiences in social cognitive career theory. *Vocational Behavior* (66): 304- 325.
- Scheuermann, T.S., David, M.T & Rosali, J.H. (2014). An investigation of African- American women's prestige domain interests and choice goals using social cognitive career theory. *Vocational Behavior* (84): 273- 282.
- Tiago, V., Cavalcanti, de V and Tavares, J. (2008). Women prefer larger governments: Growth, structural transformation and government size. Available at: <http://www.hec.unil.ch/deep/evenements/Seminaire-papers>
- Zikic, J., & Saks, A. M. (2009). Job search and social cognitive theory: The role of career- relevant activities. *Vocational Behavior* (74): 117-127.

نویسندگان

مریم شریفزاده

دانش‌آموخته‌ی دکتری ترویج و سامانه‌های اطلاعات کشاورزی از دانشگاه شیراز. دارای بیش از ۱۳ مقاله‌ی علمی-پژوهشی در مجلات معتبر فارسی (ISC) و انگلیسی (ISI) در زمینه‌ی ترویج، سامانه‌های اطلاعات اقلیمی، و نگرش سیستمی در کشاورزی

m.sharifzadeh@yahoo.com

جليله کریمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی از دانشگاه یاسوج، دارای مختلفی در کنفرانس‌های معتبر ملی

j_k1363@yahoo.com